

تأثیر کیفیت حسابداری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی

سید حسین سجادی*، حسن فرازمنند، عبدالله تاج‌الدینی***

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۶/۰۹

چکیده

هدف این مقاله بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی به عنوان بخشی از هزینه‌ی سرمایه‌ی شرکت، بازده مورد انتظار دارندگان سهام عادی است. حسابداری اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد. با افزایش کیفیت اطلاعات، ریسک اطلاعاتی کاهش می‌یابد در نتیجه، نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد. بنابراین، حسابداری با کیفیت بیشتر، می‌تواند هزینه‌ی سرمایه را کاهش دهد. در این تحقیق کیفیت حسابداری با سه شاخص اندازه‌ی موسسه‌ی حسابداری، تخصص حسابداری در صنعت و تداوم انتخاب حسابداری اندازه‌گیری شده است. نتایج نشان داد که اندازه‌ی موسسه‌ی حسابداری تأثیر معناداری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی ندارد. اما تخصص حسابداری در صنعت و تداوم انتخاب حسابداری دارای رابطه‌ی منفی با هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام هستند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت کیفیت حسابداری تأثیر معناداری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی دارد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابداری، هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی، اندازه‌ی موسسه‌ی حسابداری، تخصص

حسابداری در صنعت، تداوم انتخاب حسابداری

طبقه بندی موضوعی: M42

استاد تمام گروه حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز، (sajadi@scu.ac.ir)

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز، (Hfrazmand@yahoo.com)

*** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، (نویسنده مسئول)، (tajodiniabdollah@yahoo.com)

مقدمه

با افزایش هزینه‌های نمایندگی، تقاضا برای حسابرسی‌های با کیفیت بالا افزایش می‌یابد. این موضوع یا به طور داوطلبانه توسط مدیران صورت می‌گیرد یا از بیرون به صورت یک ساز و کار کنترلی توسط سرمایه‌گذاران تحمیل می‌شود (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۹).

سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری به اطلاعات مختلفی از جمله اطلاعات مالی در باره‌ی بنگاه‌های اقتصادی نیاز دارند. صورت‌های مالی به عنوان مهم‌ترین مجموعه‌ی اطلاعات مالی محسوب می‌شود. اما مسئله‌ی مهم تردید در مورد قابلیت اتکای اطلاعات مزبور است که از تضاد منافع سرچشمه می‌گیرد. افزون بر تضاد منافع، مسایل دیگری از قبیل عدم دسترسی مستقیم کاربران به اطلاعات موجب تقاضا برای خدمات حسابرسی مستقل شده است. در واقع هدف حسابرسی ارزیابی کیفیت اطلاعات برای کاربران است.

به طور کلی، تقاضا برای کیفیت حسابرسی به دلیل نقش‌های متعددی است که حسابرسی برای کاربران صورت‌های مالی ایفا می‌کند. در نقش نظارتی، هنگامی که قدرت تصمیم‌گیری به یک نماینده واگذار می‌شود، مالکان برای ایجاد نظارت بر نماینده و جلوگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه و عدم تقارن اطلاعاتی و همچنین کاهش هزینه‌های نمایندگی به حسابرسی روی می‌آورند. در نقش اطلاعاتی، حسابرسی به عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت اطلاعات مالی از نظر سرمایه‌گذاران ارزشمند واقع می‌شود. حسابرسی با کاهش عدم اطمینان مربوط به اطلاعات مالی گزارش شده، نرخ بازدهی مورد انتظار و صرف ریسک سرمایه‌گذاران را پایین می‌آورد و در نقش بیمه‌ای، حساب‌سازان با پذیرش خطر دعاوی حقوقی بالقوه و همچنین با ضمانت کردن کیفیت صورت‌های مالی، هزینه‌های ناشی از دعاوی حقوقی را کاهش داده و مدیران را در مقابل اشخاص ثالث بیمه می‌کنند (ایتون، ۲۰۱۰).

هزینه‌های نمایندگی، نرخ بازدهی مورد انتظار، صرف ریسک و هزینه‌ی دعاوی حقوقی، همگی عواملی هستند که به طور مستقیم بر هزینه‌ی سرمایه‌ی تأثیر می‌گذارند و یک حسابرسی با کیفیت مطلوب، با کاهش دادن آن‌ها موجب هماهنگی بیشتر بین مدیران و سرمایه‌گذاران می‌شود و می‌تواند بر هزینه‌ی سرمایه‌ی تأثیر گذارد (ایتون، ۲۰۱۰).

با توجه به توضیحات فوق، مسأله‌ی اساسی در این تحقیق، بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی است.

پیشینه پژوهش

کیفیت حسابرسی و شاخص‌های اندازه‌گیری آن

کیفیت که تعیین‌کننده‌ی عملکرد حسابرسی است، تابع عوامل متعددی از قبیل توانایی‌های حسابرس (شامل دانش، تجربه، قدرت تطبیق و کارایی فنی) و اجرای حرفه‌ای (شامل استقلال، عنیت، مراقبت حرفه‌ای، تضاد منافع و قضاوت) است (مجتهدزاده و آقایی، ۱۳۸۳).

دی آنجلو کیفیت حسابرسی را ارزیابی و استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم حسابداری صاحبکار و گزارش تحریف‌های با اهمیت کشف شده، تعریف کرده است. در این تعریف، کشف نقص، کیفیت حسابرسی را در قالب دانش و توانایی حسابرس اندازه‌گیری می‌کند، در حالی که گزارش آن بستگی به انگیزه‌های حسابرس برای افشاگری دارد (یگانه و آذین‌فر، ۱۳۸۹).

یکی از شاخص‌های جایگزین برای سنجش کیفیت حسابرسی، اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی است و انتظار می‌رود با افزایش اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی کیفیت حسابرسی افزایش یابد. زیرا، موسسه‌های بزرگ حسابرسی باید بیش‌تر مراقب شهرت حرفه‌ای خود باشند (مجتهدزاده و آقایی، ۱۳۸۳).

از نظر لینوکس (۱۹۹۹) دو توضیح برای همبستگی مثبت بین اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر اساس تحقیقات نظری فراهم شده است که یکی مرتبط با شهرت حسابرسان و دیگری مرتبط با میزان ثروت و منابع مالی حسابرسان است.

دی آنجلو (۱۹۸۱) استدلال می‌کند که حسابرسان بزرگ انگیزه‌ی بیشتری برای ارائه گزارش با کیفیت دارند زیرا، آنان ارزش زیادی برای شهرت خود قائل هستند.

فرض دیگر این است که حسابرسان با ثروت و منابع مالی زیاد، به دلیل خطر ناشی از دعاوی حقوقی، انگیزه‌ی بیشتری برای ارائه گزارش با کیفیت دارند. به دلیل این که مؤسسات حسابرسی بزرگ دارای ثروت و منابع مالی زیادی هستند و به اصطلاح جیب بزرگی دارند،

موسسه‌های حسابرسی بزرگ به دلیل نقش بیمه‌ای برجسته‌تر و هم‌چنین، حفظ حسن شهرت خود، موجب کاهش ریسک اطلاعاتی می‌شوند که نتیجه‌ی آن پایین آمدن هزینه‌ی سرمایه‌ی سرمایه‌گذاران است.

هر قدر مؤسسه‌ی حسابرس تجربه‌ی بیشتری در صنعت خاصی کسب کند، به دلیل ایجاد شهرت مثبت، علاقه‌ی بیشتری به ارائه‌ی خدمات حسابرسی با کیفیت برتر پیدا می‌کند (دان و همپژوهان، ۲۰۰۰).

تخصص حسابرس در صنعت، خلق ایده‌های سازنده برای کمک به صاحب‌کاران و ایجاد ارزش افزوده برای آنان و هم‌چنین فراهم کردن دیدگاه‌ها و راه‌کارهای تازه برای برخی از مسائلی است که صاحب‌کاران در صنایع مربوط به خود با آن مواجه می‌شوند (کند، ۲۰۰۸).

به دلیل این که حالت‌های مختلف تخصص حسابرس در صنعت، به طور مستقیم مشاهده پذیر نیست، شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری آن استفاده می‌شود که از جمله‌ی آن شاخص‌ها، رویکرد سهم بازار (سهم نسبی از بازار حسابرسی یک صنعت) و رویکرد سهم پرتفوی (وزن شرکت‌های یک صنعت در پرتفوی مؤسسه حسابرسی) است.

موسسه‌های حسابرسی متخصص صنعت، با شناختی که از پیچیدگی‌ها و مسایل خاص یک صنعت دارند، نقش نظارتی و اطلاعاتی بارزتری نسبت به دیگر موسسه‌های حسابرسی در آن صنعت خاص دارند و می‌توانند اطلاعات قابل اتکایی را برای سرمایه‌گذاران فراهم کنند و به این ترتیب ریسک اطلاعاتی بازار را کاهش دهند و موجب کاهش هزینه‌ی سرمایه‌ی شوند.

یکی از عوامل مهم مؤثر بر استقلال حسابرس، تداوم انتخاب حسابرس است که میرز (۲۰۰۳) آن را تعداد سال‌های متوالی می‌داند که یک حسابرس مسئولیت حسابرسی یک شرکت را بر عهده می‌گیرد.

کمران (۲۰۰۵) معتقد است که پیچیدگی‌های زیاد در محیط کاری شرکت‌ها موجب شده است تا حسابرس نتواند در مدت زمان کوتاهی با فعالیت‌های شرکت مورد رسیدگی آشنایی کامل پیدا کند. تداوم انتخاب حسابرس موجب می‌شود تا حسابرس به مرور دانش خاص بیشتری را کسب کند و این موضوع باعث افزایش صلاحیت حرفه‌ای حسابرس و افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود.

تداوم بلندمدت انتخاب حسابرسان به دلیل این که موجب آشنایی و شناخت حسابرسان از محیط صاحب کار می‌شود، نقش نظارتی و اطلاعاتی حسابرسان را پررنگ‌تر می‌کند و هزینه‌های نمایندگی و همچنین، ریسک اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و این به نوبه‌ی خود باعث کاهش هزینه‌ی سرمایه می‌شود.

مفهوم هزینه‌ی سرمایه و اجزای آن

مفهوم هزینه‌ی سرمایه بر این فرض مبتنی است که هدف شرکت حداکثر کردن ثروت سهامداران است. رعایت این فرض باعث شد که در باره‌ی هزینه‌ی سرمایه تعاریف متعددی مطرح شود. یک تعریف از آن‌جا ناشی می‌شود که هر شرکتی دارای ریسک و بازده مخصوص به خود است. هر یک از گروه‌های سرمایه‌گذار مثلاً دارندگان اوراق قرضه، سهام ممتاز و سهام عادی خواهان میزانی از نرخ بازدهی هستند که درخور ریسک مربوط به آن باشد. بنابراین، در این جا هزینه‌ی سرمایه، حداقل نرخ بازدهی است که شرکت باید به دست آورد تا بازده مورد نظر سرمایه‌گذاران در شرکت تأمین شود. این مهم‌ترین کاربرد مفهوم هزینه‌ی سرمایه است و بیان می‌کند اگر نرخ بازده سرمایه‌گذاری یک شرکت از هزینه‌ی سرمایه‌ی آن بیشتر باشد و اگر بدون بالا رفتن درجه ریسک، این میزان بازده افزایش یابد، ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت (پی‌نو، ۱۳۸۱).

هزینه‌ی سرمایه از دو بخش عمده‌ی هزینه‌ی بدهی و هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام تشکیل شده است.

هزینه‌ی سرمایه از مواردی چون هزینه‌های نمایندگی، نرخ بازدهی مورد انتظار، صرف ریسک و هزینه‌ی دعاوی حقوقی، به طور مستقیم تأثیر می‌پذیرد و یک حسابرسان با کیفیت مطلوب، با کاهش دادن این موارد می‌تواند بر هزینه‌ی سرمایه تأثیرگذار باشد.

پژوهش‌های داخلی متعددی در زمینه‌ی کیفیت حسابرسان و یا هزینه‌ی سرمایه به صورت جداگانه انجام شده است، اما پژوهش‌هایی که ارتباط بین این دو موضوع را در ایران بررسی کند به ندرت یافت می‌شود. بنابراین، در این تحقیق بیشتر بر پژوهش‌های خارجی و نتایج آن‌ها تأکید شده است که به شرح زیر می‌باشند:

مانسی و همپژوهان (۲۰۰۴) به بررسی رابطه‌ی بین ویژگی‌های حسابرس (از قبیل کیفیت و چرخش حسابرس) با هزینه‌ی بدهی مالی پرداختند. آنان دریافتند که کیفیت حسابرسی و چرخش حسابرس رابطه‌ی منفی معناداری با هزینه‌های بدهی مالی دارد.

خورانا و رامان (۲۰۰۴) در تحقیق خود نشان دادند که مشتریان موسسه‌های حسابرسی بزرگ در کشور امریکا هزینه‌ی سرمایه‌ی کمتری نسبت به مشتریان دیگر موسسه‌های حسابرسی دارند. اما، در کشورهای بریتانیا، استرالیا و کانادا، چنین رابطه‌ای برقرار نیست.

فرانسیس و ویلسون (۲۰۰۵) در تحقیق خود نشان دادند که تقاضا برای حسابرسی‌های با کیفیت متفاوت، رابطه‌ی مثبت معناداری با هزینه‌های نمایندگی شرکت دارد. در این تحقیق اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی شاخص کیفیت تعریف شده است.

فرناندو و همپژوهان (۲۰۰۸) با بررسی تأثیر ویژگی‌های کیفیت حسابرسی از جمله اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت، تداوم انتخاب حسابرس و نوع گزارش حسابرس بر هزینه‌ی سرمایه به این نتیجه رسیدند که سه ویژگی اندازه، تخصص و تداوم انتخاب حسابرس با هزینه‌ی سرمایه رابطه‌ی منفی دارد و با صدور هر گزارشی به جز گزارش مقبول، هزینه‌ی سرمایه افزایش می‌یابد.

انور احمد و همپژوهان (۲۰۰۸) در تحقیقی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر هزینه‌ی سرمایه را آزمون کردند. آنان نشان دادند که استفاده از حسابرس متخصص در صنعت در کاهش هزینه‌ی سرمایه به خصوص هنگامی که مکانیسم‌های نظارتی جایگزین مانند هیئت مدیره و سهام‌داران نهادی ضعیف هستند، بسیار اهمیت می‌یابد.

لی و همپژوهان (۲۰۰۹) اثر مستقیم و غیر مستقیم کیفیت حسابرسی بر هزینه‌ی سرمایه را بررسی کردند و دریافتند که کیفیت حسابرسی بالاتر رابطه‌ی مستقیم با کاهش هزینه‌ی سرمایه دارد.

لی و همپژوهان (۲۰۰۹) در تحقیقی دیگر به بررسی اثر کیفیت حسابرسی بر رابطه‌ی بین کیفیت سود و هزینه‌ی سرمایه پرداختند. نتایج نشان داد که کیفیت حسابرسی بالاتر موجب کاهش قابل ملاحظه‌ی رابطه‌ی مثبت جمع اقلام تعهدی با هزینه‌ی سرمایه می‌شود.

چن و همپژوهان (۲۰۱۰) با بررسی اثر کیفیت حسابداری بر مدیریت سود و هزینه‌ی سرمایه دریافتند که کیفیت حسابداری موجب پایین آمدن مدیریت سود و هزینه‌ی سرمایه‌ی شرکت می‌شود.

جوی و همپژوهان (۲۰۱۰) در تحقیقی نشان دادند که کیفیت حاکمیت شرکتی اثر کاهشی قابل ملاحظه‌ای بر هزینه‌ی بدهی دارد اما کیفیت حسابداری دارای چنین اثری نیست.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اغلب پژوهش‌های انجام شده بر ارتباط و تاثیر کیفیت حسابداری بر هزینه‌ی سرمایه تاکید داشته و کیفیت حسابداری را عامل مهمی در کاهش هزینه‌ی سرمایه برمی‌شمرند.

فرضیه‌های تحقیق

همان‌گونه که بیان شد تحقیق حاضر به دنبال بررسی تاثیر کیفیت حسابداری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت است. از این رو فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه‌ی اول: اندازه‌ی موسسه‌ی حسابداری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت‌ها تاثیر معناداری دارد.

فرضیه‌ی دوم: تخصص حسابداری در صنعت بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت‌ها تاثیر معناداری دارد.

فرضیه‌ی سوم: تداوم انتخاب حسابداری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت‌ها تاثیر معناداری دارد.

برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از الگوی فرناندو و همپژوهان (۲۰۰۸) استفاده شده است:

$$COEC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 ASIZE_{it} + \alpha_2 SPEC_{it} + \alpha_3 TENURE_{it} + \alpha_4 BETA_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + \alpha_6 LNSIZE_{it} + \alpha_7 MB_{it} + \alpha_8 GRW_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل مزبور؛ COEC هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی به عنوان متغیر وابسته؛ ASIZE اندازه‌ی موسسه‌ی حسابداری؛ SPEC تخصص حسابداری در صنعت و TENURE تداوم انتخاب حسابداری، به عنوان متغیرهای مستقل و BETA ریسک سیستماتیک؛ LEV اهرم مالی؛ LNSIZE اندازه‌ی شرکت؛ MB نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و GRW نرخ

رشد شرکت، به عنوان متغیرهای کنترل تعریف شده‌اند. i نماد شرکت موردنظر و t نماد سال مورد نظر بوده است.

COEC: در این تحقیق با پیروی از تحقیقات فرانسیس و همپژوهان (۲۰۰۵) و رحمانی و فلاح نژاد (۱۳۸۹)، به منظور اندازه‌گیری هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی از روش نسبت سود به قیمت سهام تعدیل شده‌ی صنعت استفاده شده است.

در این روش، ابتدا میان‌ه‌ی نسبت سود به قیمت برای همه‌ی شرکت‌هایی که دارای سود مثبت در سال t هستند، جداگانه برای هر صنعت محاسبه می‌شود (حداقل پنج شرکت با سود مثبت برای هر صنعت در سال t نیاز است). سپس، سود به قیمت تعدیل شده‌ی صنعت به صورت سود به قیمت شرکت تقسیم بر میان‌ه‌ی سود به قیمت صنعت در سال t محاسبه می‌شود (فرانسیس و همپژوهان، ۲۰۰۵).

این نسبت اهمیت سودهایی را که در مقابل قیمت کوچک است، حفظ می‌کند و شاخص مطلوب‌تری از هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی است که در بازار مشاهده شده است؛ به طوری که با افزایش قیمت، سهام‌داران انتظار دارند که سود در آینده نزدیک افزایش یابد (رحمانی و فلاح نژاد، ۱۳۸۹).

این رابطه به شرح زیر است:

$$COEC_{it} = \frac{E_{it}}{P_{it}} / MED_{kit}$$

که در آن: E_{it} سود پیش‌بینی شده‌ی هر سهم شرکت i برای سال t که از سایت‌های بورسی استخراج شده است؛ P_{it} قیمت هر سهم شرکت در پایان سال t و MED_{kit} نماد میان‌ه‌ی نسبت‌های سود پیش‌بینی شده به قیمت صنعت k ام که شرکت i ام در آن قرار دارد برای سال t . براساس تحقیق فرناندو و همپژوهان (۲۰۰۸) از سود پیش‌بینی شده‌ی هر سهم به جای سود هر سهم استفاده شده است.

ASIZE: در این تحقیق اندازه‌ی موسسه حسابرسی یک متغیر موهومی است که اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختیار می‌شود (یگانه و آذین‌فر، ۱۳۸۹).

SPEC: در این تحقیق از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص صنعت موسسه حسابرسی استفاده شده است، زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می‌دهد. هر چه سهم بازار موسسه حسابرسی بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه‌ی آن نسبت به سایر رقبا بالاتر است. سهم بازار موسسه حسابرسی به این صورت محاسبه می‌شود: مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحب‌کاران در این صنعت؛ که فرمول آن به شرح زیر است (اعتمادی و همپژوهان، ۱۳۸۸):

$$MS_{ik} = \frac{\sum_{j=1}^{J_{ik}} TA_{ijk}}{\sum_{i=1}^{I_k} \sum_{j=1}^{J_{ik}} TA_{ijk}}$$

که در آن: MS_{ik} سهم بازار موسسه حسابرسی i ام در صنعت k ام؛ TA مجموع دارایی‌های صاحب‌کاران؛ I نماد موسسه حسابرسی؛ J نماد شرکت صاحب‌کار؛ k نماد صنعت مورد نظر؛ J_{ik} نماد تعداد صاحب‌کاران موسسه حسابرسی i ام در صنعت k ام و I_k نماد تعداد موسسات حسابرسی در صنعت k ام است.

با پیروی از اعتمادی و همپژوهان (۱۳۸۸)، موسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص صنعت (که با نماد SPEC نشان داده می‌شود) در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان بر اساس معادله فوق در رابطه‌ی زیر برقرار باشد:

$$MS_{ik} > \frac{1}{N_k} * 1.2$$

که در آن، N_k تعداد شرکت‌های موجود در صنعت k ام است. بنابراین، اگر شرکت توسط موسسه حسابرسی متخصص صنعت حسابرسی شده باشد $SPEC=1$ و در غیر این صورت $SPEC=0$ خواهد بود.

TENURE: در این تحقیق تداوم انتخاب حسابرس، تعداد سال‌های متوالی که یک موسسه حسابرسی مسئولیت حسابرسی یک شرکت را بر عهده می‌گیرد، تعریف شده است (میرز و همپژوهان، ۲۰۰۳). به منظور گردآوری اطلاعات تداوم انتخاب حسابرس، از گزارش‌های حسابرسی شرکت‌ها استفاده شده است. با توجه به در

دسترس بودن این گزارش‌ها از سال ۱۳۷۶، این سال به عنوان سال پایه انتخاب شده است.

LNSIZE: به مفهوم لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های یک شرکت است و هرچه حجم دارایی‌های شرکت بیش‌تر باشد، اندازه‌ی شرکت بزرگ‌تر است (فرناندو و همپژوهان، ۲۰۰۸).

LEV: به مفهوم این است که چند درصد از دارایی‌های شرکت از محل بدهی‌ها تامین شده است. اهرم مالی به صورت نسبت جمع بدهی‌های شرکت به جمع دارایی‌های آن در پایان سال مالی است (فرناندو و همپژوهان، ۲۰۰۸).

GRW: به مفهوم تغییرات میزان حجم درآمد فروش یک شرکت در سال‌های پیاپی است. رشد شرکت به صورت نسبت درآمد فروش سال t شرکت به درآمد فروش سال $t-1$ است.

BETA: به مفهوم حساسیت بازدهی سهام یک شرکت نسبت به بازدهی سبد سهام بازار است. به بیان دیگر، ریسک سیستماتیک شیب خط بازار سرمایه‌ی سهام است که بر مبنای معادله‌ی زیر برآورد می‌شود:

$$BETA_i = \frac{COV(R_i, R_m)}{\sigma^2(R_m)}$$

که در آن: R_i بازدهی شرکت i ؛ R_m بازدهی بازار؛ COV نماد کوواریانس و σ^2 نماد واریانس است (دستگیر، ۱۳۸۴).

MB: برابر با ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت به ارزش دفتری آن در پایان سال مالی است. (فرناندو و همپژوهان، ۲۰۰۸).

روش تحقیق

تحقیق حاضر همبستگی و از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) است. گردآوری اطلاعات تحقیق در دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول، برای تدوین مبنای

نظری تحقیق از روش کتابخانه‌ای و در مرحله‌ی دوم، داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای تحقیق از سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار استفاده شده است. با توجه به متغیرهای تحقیق و روش‌های تجزیه و تحلیل آماری، از تصریح الگوی اقتصادسنجی در چارچوب داده‌های ترکیبی، برای برآورد پارامترهای الگو و بررسی آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری تحقیق شرکت‌هایی هستند که در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند و باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند:

۱. شرکت‌ها جزء صنایع واسطه‌گری، سرمایه‌گذاری، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشند؛
 ۲. به منظور قابلیت مقایسه اطلاعات، دوره‌ی مالی شرکت‌ها، منتهی به پایان اسفند ماه باشد؛
 ۳. نوع اظهار نظر حسابرس نسبت به صورت‌های مالی، مردود یا عدم اظهار نظر نباشد؛
 ۴. اطلاعات مورد نیاز تحقیق از شرکت‌ها در دسترس باشد.
- بنابراین، از بین شرکت‌های دارای شرایط مزبور، تعداد ۱۲۰ شرکت برای دوره‌ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۹ به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شده است.

تعیین الگوی تخمین مدل

در چارچوب داده‌های ترکیبی، ابتدا آزمون‌های انتخاب نوع روش برآورد، انجام می‌شود. برای انتخاب از بین دو روش تخمین داده‌های یکپارچه شده و اثرات ثابت، آزمون چاو انجام می‌شود. برای انجام این آزمون، فرضیه‌ی صفر بر مبنای مدل داده‌های یکپارچه شده تنظیم می‌شود. در صورت رد این فرضیه، مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون چاو در نگاره (۱) ارائه شده است.

نگاره (۱): نتایج آزمون چاو (F مقید)

شرح	آماره‌ی F	سطح خطای ۵ درصد
آزمون چاو برای بررسی مدل	۴/۴۲۵۱	۰/۰۰۰۰

همان طور که در نگاره (۱) مشاهده می‌شود، آماره‌ی F در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار است، بنابراین، آزمون چاو، مشابه بودن عرض از مبدا در تمام دوره‌ها را به طور قوی رد کرده است. لذا روش اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. در مرحله‌ی بعد، روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی آزمون می‌شود. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده شده است. در این آزمون فرضیه صفر به صورتی تنظیم می‌شود که در صورت رد نشدن، روش اثرات تصادفی استفاده می‌شود. به منظور بررسی انتخاب روش برآورد، نتایج آزمون هاسمن در نگاره (۲) ارائه شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون هاسمن

شرح	آماره‌ی آزمون	سطح خطای ۵ درصد
آزمون هاسمن برای بررسی مدل	۱۸/۰۸۹۳	۰/۰۲۰۶

با توجه به نتایج مندرج در نگاره (۲)، آماره‌ی محاسباتی آزمون هاسمن در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار شده است، بنابراین، عدم وجود رابطه بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی رد شده است. به همین دلیل، برای برآورد مدل از روش اثرات ثابت استفاده خواهد شد.

نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

نگاره (۳) نتایج حاصل از برآورد پارامترهای مدل تحقیق را نشان می‌دهد. در این مدل بر اساس مدل فرناندو و همپژوهان (۲۰۰۸)، اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی، تخصص موسسه‌ی حسابرسی و تداوم انتخاب حسابرس به عنوان معیار کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده است. برای این مدل آماره‌ی دورین - واتسون برابر با ۲ است و خود همبستگی جمله‌ی اخلال رد می‌شود. مقدار احتمال مربوط به آماره‌ی F برای تصریح برابر ۰/۰۰ است و لذا فرض صفر مبنی بر خطای تصریح مدل رد می‌شود. در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، معنی‌دار بودن مدل پذیرفته می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده‌ی مدل برابر با ۰/۴۰ است. این آماره نشان دهنده‌ی این موضوع است که حدود ۴۰ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله‌ی متغیرهای مستقل قابل توصیف است. با توجه به رد نشدن آماره‌های مدل، فرضیه‌های تحقیق بررسی می‌شود.

نگاره (۳): نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
عرض از مبدا	۷/۴۳۵۲	۰/۵۴۱۳	۱۳/۷۳۵۴	۰/۰۰۰۰
اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی	۰/۰۶۳۸	۰/۱۲۶۰	۰/۵۰۶۱	۰/۶۱۳۰
تخصص حسابرس در صنعت	-۰/۲۶۷۴	۰/۱۱۵۵	-۲/۳۱۴۴	۰/۰۲۱۰
تداوم انتخاب حسابرس	-۰/۰۲۴۱	۰/۰۰۳۸	-۶/۳۳۱۷	۰/۰۰۰۰
اندازه‌ی شرکت	-۰/۴۶۹۴	۰/۰۴۶۱	-۱۰/۱۸۰۳	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۲۷۵۲	۰/۲۴۷۲	-۱/۱۱۳۲	۰/۲۶۶۰
رشد شرکت	۰/۰۲۷۹	۰/۰۰۷۰	۳/۹۴۶۰	۰/۰۰۰۱
ریسک سیستماتیک	۰/۱۴۱۳	۰/۱۰۸۳	۱/۳۰۴۶	۰/۱۹۲۵
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۵۸	۰/۰۰۴۵	۱/۲۹۴۴	۰/۱۹۶۰
آماره‌های موزون برآورد مدل تحقیق				
ضریب تعیین	۰/۵۰۷۵	آماره‌ی F		۴/۷۱۴۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۹۹۸	احتمال آماره‌ی F		۰/۰۰۰۰
آماره‌ی دوربین-واتسون	۲/۰۱۱۵			

با توجه به نتایج ارایه شده در نگاره (۳)، سطح خطای احتمال مربوط به فرض صفر مبنی بر عدم تاثیر اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت، برابر ۰/۶۱۳ است و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت تاثیر معنی‌داری ندارد.

سطح خطای احتمال مربوط به فرض صفر مبنی بر عدم تاثیر تخصص موسسه‌ی حسابرسی در صنعت بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت، برابر ۰/۰۲۱ است که از ۰/۰۵ کوچک‌تر است، بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد می‌شود. ضریب متغیر مستقل تخصص موسسه‌ی حسابرسی در صنعت ۰/۲۶۷- است. با توجه به منفی بودن ضریب می‌توان نتیجه گرفت که هر چه تخصص موسسه‌ی حسابرسی در صنعت بیشتر باشد، هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت کمتر است.

سطح خطای احتمال مربوط به فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت، برابر $0/00$ است که از $0/05$ کوچک‌تر است، بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد می‌شود. با توجه به منفی بودن ضریب می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش تداوم انتخاب حسابرس، هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت کاهش می‌یابد.

متغیرهای کنترل اهرم مالی با احتمال $0/266$ ، ریسک سیستماتیک با احتمال $0/1925$ و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام با احتمال $0/196$ ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی‌دار نیستند. اما، متغیرهای کنترل اندازه‌ی شرکت با احتمال $0/00$ و رشد شرکت با احتمال $0/0001$ در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار هستند. ضریب متغیر کنترل اندازه‌ی شرکت $0/469-$ است که با توجه به منفی بودن ضریب می‌توان نتیجه گرفت که هر چه اندازه‌ی شرکت بزرگ‌تر باشد، هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت کمتر است. از سوی دیگر، ضریب متغیر کنترل رشد شرکت $0/0279$ است که با توجه به مثبت بودن ضریب می‌توان نتیجه گرفت که هر چه رشد شرکت بیشتر باشد، هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت بیشتر است.

همان‌طور که گفته شد متغیرهای کنترل اهرم مالی، ریسک سیستماتیک و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام معنی‌دار نیستند. بنابراین، بار دیگر مدل تحقیق با حذف این متغیرهای کنترل تخمین زده می‌شوند. نتایج حاصل از آزمون چاو در نگاره (۴) نشان داده شده است.

نگاره (۴): نتایج آزمون چاو (F مقید)

شرح	آماره‌ی F	سطح خطای ۵ درصد
آزمون چاو برای بررسی مدل	۴/۱۵۲۳	۰/۰۰۰۰

با ملاحظه‌ی نگاره (۴) می‌توان نتیجه گرفت که این بار نیز روش اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های یکپارچه شده پذیرفته شده است. در مرحله‌ی بعد با استفاده از آزمون هاسمن، روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی مورد آزمون واقع شده است. نتایج آزمون هاسمن در نگاره (۵) نشان داده شده است.

نگاره (۵): نتایج آزمون هاسمن

شرح	آماره‌ی آزمون	سطح خطای ۵ درصد
آزمون هاسمن برای بررسی مدل	۱۳/۴۳۷۷	۰/۰۰۹۰

همان‌طور که در نگاره (۵) ملاحظه می‌شود، هم‌چنان روش اثرات ثابت به عنوان روش ارجح شناخته شده است و آزمون هاسمن روش اثرات تصادفی را توصیه نمی‌کند.

نگاره (۶) نتایج حاصل از برآورد پارامترهای مدل تحقیق را این بار با حذف متغیرهای کنترل اهرم مالی، ریسک سیستماتیک و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نبودند، نشان می‌دهد.

نگاره (۶): نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره‌ی t	احتمال
عرض از مبدا	۶/۴۴۵۱	۰/۴۶۶۰	۱۳/۸۲۹۰	۰/۰۰۰۰
اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی	۰/۰۴۶۳۳	۰/۱۱۴۱	۰/۴۰۶۰	۰/۶۸۴۸
تخصص حسابرس در صنعت	-۰/۲۲۲۱	۰/۰۷۷۸	-۲/۸۵۲۵	۰/۰۰۴۵
تداوم انتخاب حسابرس	-۰/۰۲۲۷	۰/۰۰۶۸	-۳/۳۱۲۸	۰/۰۰۱۰
اندازه‌ی شرکت	-۰/۴۰۳۶	۰/۰۳۶۰	-۱۱/۱۹۷۰	۰/۰۰۰۰
رشد شرکت	۰/۰۳۳۸	۰/۰۱۷۱	۱/۹۷۸۹	۰/۰۴۸۳
آماره‌های موزون برآورد مدل تحقیق				
ضریب تعیین	۰/۴۶۰۴	آماره‌ی F		۴/۰۸۷۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۴۷۷	احتمال آماره‌ی F		۰/۰۰۰۰
آماره‌ی دوربین-واتسون	۲/۰۲۷۳			

با توجه به نگاره (۶) ملاحظه می‌شود که مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۴۷۷ است که از حالت قبل پایین‌تر است. ضرایب متغیرهای تحقیق نسبت به حالت قبل، تفاوت معنی‌داری نیافته‌اند. در این حالت نیز، سطح خطای احتمال مربوط به فرض صفر مبنی بر عدم تاثیر اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت، برابر ۰/۶۸۴۸ است که از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است، بنابراین، اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت تاثیر معنی‌داری ندارد. سطح خطای احتمال مربوط به فرض صفر مبنی بر عدم تاثیر تخصص موسسه‌ی حسابرسی در صنعت بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت، برابر

۰/۰۴۵ است که از ۰/۰۵ کوچک‌تر است، بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد می‌شود. ضریب متغیر مستقل تخصص موسسه‌ی حسابرسی در صنعت ۰/۲۲۲- است. با توجه به منفی بودن ضریب می‌توان نتیجه گرفت که هر چه تخصص موسسه‌ی حسابرسی در صنعت بیشتر باشد، هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت کمتر است. سطح خطای احتمال مربوط به فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت، برابر ۰/۰۰۱ است که از ۰/۰۵ کوچک‌تر است، بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد می‌شود. با توجه به منفی بودن ضریب می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش تداوم انتخاب حسابرس، هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی نظری تحقیق، انتظار می‌رود که رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی و هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی، منفی باشد. زیرا، کیفیت حسابرسی موجب افزایش قابلیت اتکای صورت‌های مالی و کاهش ریسک اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود که نتیجه‌ی آن کاهش نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران و کاهش هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی است. در این تحقیق برای متغیر مستقل (کیفیت حسابرسی) از سه معیار اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی، تخصص موسسه‌ی حسابرسی در صنعت و تداوم انتخاب حسابرس استفاده شد.

نتایج تحقیق نشان اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی تأثیر معنی‌داری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت ندارد. همان‌طور که گفته شد بسیاری از تحقیقات پیشین مؤید این موضوع بودند که موسسه‌های بزرگ حسابرسی به دلیل حسن شهرت و نقش بیمه‌ای برجسته‌تر موجب کاهش ریسک اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه کاهش هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی می‌شوند. بنابراین انتظار می‌رفت که چنین نتیجه‌ای نیز از این تحقیق حاصل شود، اما نتایج تحقیق وجود چنین رابطه‌ای را تایید نکرد. یکی از دلایلی که می‌تواند این عدم تطابق را توجیه کند مشابه نبودن قوانین در ایران و کشورهایی است که این تحقیق‌ها در آن‌ها صورت گرفته است. هم‌چنین، دلیل دیگر بر اساس تحقیق یگانه و آذین‌فر (۱۳۸۹)، می‌تواند دولتی بودن سازمان حسابرسی باشد که عاملی مزاحم در بررسی اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد تخصص موسسه‌ی حسابرسی در صنعت تاثیر معنی‌داری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت دارد که همسو با تحقیقات انجام شده‌ی فرناندو و همپژوهان (۲۰۰۸) و انور احمد و همپژوهان (۲۰۰۸) است.

هم‌چنین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد تداوم انتخاب حسابرس تاثیر معنی‌داری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت دارد که با تحقیقات انجام شده‌ای چون تحقیق فرناندو و همپژوهان (۲۰۰۸) سازگار است.

با توجه به نتایج به دست آمده، اگر چه شاخص اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی تاثیر معناداری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی نداشت، اما از آنجا که دو شاخص دیگر کیفیت حسابرسی یعنی تخصص حسابرس در صنعت و تداوم انتخاب حسابرس به طور معناداری بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی موثر بودند، می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت حسابرسی بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت‌ها تاثیر معناداری دارد و می‌توان با افزایش کیفیت حسابرسی، هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی شرکت‌ها را کاهش داد.

پیشنادهایی برای تحقیق‌های آینده

بر اساس تجارب به دست آمده از این تحقیق، پیشنهاد می‌شود در آینده موارد زیر مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد:

بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه‌ی سرمایه‌ی با استفاده از مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و مدل گوردون برای اندازه‌گیری هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی.

بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی با استفاده از معیارهای دیگری برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، مانند نوع گزارش حسابرسی

محدودیت‌های تحقیق

مهم‌ترین محدودیت‌های تحقیق حاضر به شرح زیر است:

عدم امکان تعدیل اقلام صورت‌های مالی به واسطه‌ی وجود تورم که ممکن است بر نتایج تحقیق موثر باشد.

در مقایسه‌ی سازمان حسابرسی و موسسه‌های حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی، دولتی بودن سازمان حسابرسی، عاملی مزاحم در بررسی اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی است.

منابع

- اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر؛ ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، شماره ۱، ۲، ۳۲-۱۷.
- حجازی، رضوان؛ جلالی، فاطمه. (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر بر هزینه‌ی سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌نامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی «علوم اقتصادی»*، شماره ۲۴، ۳۰-۱۳.
- دستگیر، محسن. (۱۳۸۴). *مبانی مدیریت مالی*، جلد دوم، تهران. انتشارات نورپردازان، چاپ اول.
- رحمانی، علی؛ فلاح‌نژاد، فرهاد. (۱۳۸۹). تأثیر کیفیت اقلام تعهدی بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی. *مجله‌ی پژوهش‌های حسابداری مالی*، شماره ۳، ۳۰-۱۷.
- ریموند، پی‌نو. (۱۳۸۱). *مدیریت مالی*، جلد دوم، ترجمه و اقتباس: علی جهانخانی؛ علی پارسائیان، تهران. انتشارات سمت، چاپ هفتم.
- کردستانی، غلامرضا؛ مجدلی، ضیاء‌الدین. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین ویژگی‌های کیفی سود و هزینه سرمایه سهام عادی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴۸، ۱۰۴-۸۵.
- کردستانی، غلامرضا؛ حدادی، مجید. (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی بین محافظه‌کاری در حسابداری و هزینه‌ی سرمایه. *پژوهش‌نامه‌ی حسابداری مالی و حسابرسی*، شماره ۱، ۵۰-۲۳.
- مجتهدزاده، ویدا؛ آقایی، پروین. (۱۳۸۳). عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴۸، ۷۶-۵۳.
- ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۹). تخصص حسابرس در صنعت: معیاری برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی. *نشریه حسابرس*، شماره ۴۹، ۱۴۷-۱۴۲.
- یگانه، حساس؛ آذین‌فر، کاوه. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۶۱، ۹۸-۸۵.
- Anwer S. Ahmed., Rasmussen, S. J., Tse, S. 2008. Audit quality, Alternative monitoring mechanisms, and Cost of capital: An empirical analysis. <http://ssrn.com/abstract=1124089>.

- Cameran, M., Di Vincenzo, D., and Merlotti, E. 2005. The audit firm rotation rule: A review of the literature. Working paper, Bocconi University, Milan, Italy. <http://ssrn.com/abstract=825404>.
- Chen, H., Chen, J. Z., Lobo, G.J., Wang, Y. 2010. Effects of audit quality on earnings management and cost of equity capital: Evidence from China. <http://ssrn.com/abstract=1105539>.
- Choi, J. H., Kim, C. F., Kim, J. B., Zang, Y. S. 2010. Audit office size, Audit quality and Audit pricing. *Auditing: A Journal of practice & theory, Vol. 29, No.1*: 73-97.
- Dunn, K. A., Mayhew, B. W., and Morsfield, S. G. 2000. Auditor industry specialization and client disclosure quality. *Contemporary Accounting Research, Vol. 17*: 183-198.
- Fernando, G.D. and Elder, R.J. and Abdel-Meguid, A.M. 2008. Audit quality attributes, Client size and Cost of capital. <http://ssrn.com/abstract=817286>.
- Francis, J., Lafond, R., Olsson, P., and Schipper, K. 2005. The market pricing of accruals quality. *Journal of Accounting and Economics, 39*: 295-327.
- Ittonen, K. 2010. A theoretical examination of the role of auditing and relevance of audit reports. *Business Administration 28, Accounting and Finance, University of Vaasa*. http://www.uva.fi/materiaali/pdf/isbn_978-952-476-298-4.pdf.
- Kend, M. 2008. Client industry audit expertise: Towards a better understanding. *Pacific Accounting Review, Vol. 20*:49-62.
- Khurana, I. K., and Raman, K. K. 2004. Litigation Risk and the Financial Reporting Credibility of Big 4 versus Non-Big 4 Audits: Evidence from Anglo-American Countries. *The Accounting Review 79 (2)*: 473-495.
- Lennox, C. S. 1999. Audit quality and auditor size: An evaluation of reputation and deep pocket hypotheses. *Journal of Business Finance and Accounting, 26 (7) & (8)*: 779-805.
- Li, Y., Stokes, D., Taylor, S., Wang, L. 2009. Audit quality, Accounting attributes and the cost of equity capital. <http://ssrn.com/abstract=1481832>.
- Li, Y., Stokes, D., Taylor, S., Wang, L. 2009. Audit quality, Earnings quality and the cost of equity capital. <http://pdf-world.net/pdf/108954>.
- Mansi, S., W. Maxwell, and D. Miller. 2004. Does auditor quality and tenure matter to investors? Evidence from the bond market. *Journal of Accounting Research. 42*: 755-793.
- Myers, J., Myers, L., and T. Omer. 2003. Exploring the term of the auditor client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? *The Accounting Review 78 (3)*: 779-800.

Yu, W. 2008. Accounting based earnings management and real activities manipulation. *Unpublished Dissertation, Georgia Institute of Technology*. https://smartech.gatech.edu/bitstream/handle/1853/24686/yu_wei_200808_phd.pdf?sequence=1.

..

